



▪ هفته‌نامه افق حوزه ▪ دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ ▪ ۲۷ رمضان المبارک ▪ ۱۰ می ۱۴۴۲

رؤیت هلال و اختلاف افقها

از دیدگاه آیت الله العظمی سبحانی

آیت الله العظمی سبحانی در مقاله‌ای با موضوع «ؤیت هلال و اختلاف افقها» پس از بیان و طرح اقوال مختلف در این خصوص، دلایل خود را در این بحث بیان نموده اند که بخش اول آن تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد.

اگر ماه در شهرهایی نزدیک به هم مانند کوفه و بغداد، دیده شود، روزه بر تمامی ساکنان آنها واجب است بر خلاف شهرهای دور از هم. مراد این است که اگر ماه در یکی از شهرهای نزدیک به هم دیده شود و در دیگر شهرهایی مجاوراً دیده نشود، بر تمامی ساکنان این شهرها روزه واجب است برخلاف شهرهای دور از هم؛ زیرا هر یک از این شهرها حکم خود را دارد.

۹. مقدس اربیلی (۹۹م) در ذیل کلام محقق که می‌گوید:

«حکم شهرهای نزدیک مثل بغداد و کوفه یکسان است بر خلاف شهرهای دور» آورده است:

با توجه به فرض مسأله، دلیل مطلب فوق روشن است؛ زیرا وقتی مکلف در شهر خودش هلال ماه رمضان را نبیند و ماه در شهر دیگر دیده شود، براو صدق می‌کند که ماه را ندیده است، پس می‌تواند افطار کند؛ چون ادلایی که افاده می‌کنند آن روز از روزهای ماه رمضان نیست، و در مورد این شهر صدق می‌کنند. بنابراین دیدن ماه در شهر دیگر برای اهالی این شهر فایده‌ای ندارد و مستلزم این نیست که آن روز از روزهای ماه رمضان باشد.

علاوه بر این، با توجه به فرض مسأله، مکلف از اختلاف زمان طلوع ماه در این دو شهر می‌داند که دیدن ماه در یکی از آن دو مستلزم دیدن ماه در دیگری نیست، بلکه گاهی محال است.

بنابراین، سخن علامه در منتهی که می‌گوید: «اگر ماه در شهری رویت شد، فرقی میان شهرهای دور از هم یا نزدیک به هم از لحاظ وجوب روزه یا افطار وجود نخواهد داشت؛ زیرا ماه در یک شهر با رویت ثابت شده و در شهر دیگر با شهادت شهود». بعید است. به دلیل آن‌چه گذشت و این که ظاهراً مراد از آیه شریفه (... فَمَنْ شَهَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرُ...) این است که آنها ماه را در شهری که در آن حضور دارند دیده‌اند، هم چنان که متبار از آیه همین است.^{۱۰}

ادامه دارد...

ج. مکلف، با دیدن هلال ماه رمضان باستی روزه بگیرد اگر جه تنها او هلال را دیده باشد. [حکم] شهرهای نزدیک به هم مانند بصره و بغداد، یکسان است نه سرزمین هایی مثل

ب) حکم است و بر عکس [اگر هلال ماه رمضان را نبیند سپس مطلع می‌برود که در آن جا هلال دیده می‌شود] باستی روز بیست و نهم افطار کند.^{۱۱}

به نظر می‌رسد آن‌چه علامه در دو فرع مذکور مطرح کرده است، چیزی است که قائلان به شرط وحدت افق ملزم به ن هستند؛ زیرا این ایراد به آنها وارد است که لازمه شرط حدت افق، روزه روز سی و یکم در یک فرض و روزه روز بیست و هشتمن در فرضی دیگر است.

فرض اول: در جایی که ماه در شهر دور و نزدیک، تمام سی روز) باشد و هلال ماه و در شهر نزدیک دیده شده اشد اما در شهر دور دیده نشده باشد. فردی در شهر نزدیک می‌رود روزه می‌گیرد آن گاه به شهر دور می‌رود. حال اگر وقتی به شهر دور می‌رود) براو پیروی از اهالی آن جا واجب اشد، لازمه اش این است که آن روز روزه بگیرد؛ زیرا در آن سرزمین، آن روز، روز آخر ماه رمضان است. بنابراین چنین روزی باستی سی و یک روز روزه بگیرد. اما اگر قائل شویم بدین ماه در شهر نزدیک براو شهر دور هم حجت است، ممکنه باید در آن روز روزه بگیرند بدون این که بین شهری که از داده در آن دیده شده و شهری که ماه در آن دیده نشده فرقی جود داشته باشد.

فرض دوم: در جایی که ماه در شهر دور و نزدیک، تمام سی روز) نباشد در این صورت اگر ماه ابتدا در شهر دور است و سپس در شهری که مکلف در آن به سرمی برد دیده شود و مکلف در شهر خودش بیست و هشت روز روزه بگیرد ن گاه به شهر دور دست بزد اگر پیروی از اهالی شهری که آن جا رفته است براو واجب باشد باید روز بیست و نهم افطار کند؛ زیرا آن روز در آن سرزمین، عید فطر است. اما تقبیه به هیچ یک از این دو فرض ملتزم نمی‌شود.

۷. شهید اول (۷۸۶۷۲۴)

قضی یوماً، اگر این فرد، شاهد عادلی داشته باشد مبنی بر این که مردم شهر طبق دیدن ماه، سی روز روزه گرفته‌اند، این فرد باید یک روز [دیگر] روزه بگیرد.^{۱۶}

دلیل دیگر مسطح نبودن زمین است و لذا اگر هلال در برخی از شهرها دیده شود می‌فهمیم که در شهرهای دیگر، مانعی از دیدن آن وجود دارد.

سپس علامه نتیجه می‌گیرد:

اما قبول نداریم که آن روز نسبت به همه شهرها روزی از روزهای ماه رمضان باشد؛ زیرا این مسأله مورد نیاع و اختلاف میان فقهاءست و تبعده به چنین شهادتی را نمی‌پذیریم؛ زیرا این اول کلام است.

فرمایش امام صادق علیه السلام هم با توجه به جمع میان ادله، بر شهرهای نزدیک شهری که ماه در آن دیده شده است، حمل می‌شود.^{۱۷}

۵. علامه در منتهی:

اگر اهالی شهری ما را بینند، بر تمامی مردم خواه به آن شهر نزدیک باشند و خواه دور، روزه واجب است. احمد [بن حنبل] و لیث بن سعد و برخی از فقهاء شافعی هم براین عقیده‌اند.

علامه پس از ذکر تفصیل شیخ بین شهرهای دور و نزدیک به رد آن پرداخته سپس نتیجه می‌گیرد:

اگر معلوم شود که در سرزمینی ماه طلوع کرده و در سرزمین دیگری که از آن دور است، به دلیل کروی بودن زمین، ماه طلوع نکرده است، حکم این دو سرزمین مساوی نیست.

اما اگر علم به اختلاف مطالع آن دونداشته باشیم، حق این است که حکم آن‌ها مساوی است.

بنابراین ممکن است علامه به حسب آغاز کلامش در منتهی، از زمرة قاتلان به عدم فرق بین شهرهای دور و نزدیک به حساب آید. اما با توجه به نتیجه‌های که در آخره آن می‌رسد وی صورتی بین شهرهای نزدیک و دور تفاوتی قائل نیست که به اختلاف زمان طلوع ماه بین آن دو شهر علم نداشته باشیم و گزنه باعلم به این مطلب، از نظر او میان شهر

۱- رؤیت هلال و اختلاف افقها

فقها اتفاق نظر دارند که [برای تحقق ماه شرعی] رؤیت هلال در شهری که فد مکلف زندگی می‌کند، معترض نیست و رؤیت هلال در شهرهای دیگر کفایت می‌کند. روایات دال براین مطلب در حد استفاده است.^۲

هم چین اگردو شهر در افق متعدد باشدند، فقها اتفاق نظر دارند که رؤیت هلال در یک شهر برای شهر دیگر کافی است؛ همین طور اگر زمان طلوع هلال در آن‌ها یکی باشد و نیز جایی که زمان طلوع ماه در شهر مختلف باشد اما ثبوت ماه در یک شهر مستلزم این باشد که ماه برای شهر دیگر به طبق ولی ثابت باشد. مثلاً دیده شدن ماه در شهری که در مشرق قرار دارد، دلیل وجود ماه در شهری است که در مغرب قرار دارد؛ زیرا ماه از طرف شرق به طرف غرب حرکت می‌کند.

بنابراین اگر ماه در مشرق دیده شود، دلیل بر تولد شرعی و قابل رؤیت بودن ماه به هنگام غروب خورشید در مشرق و قبل از رسیدن به مغرب است.

در هیچ یک از موارد فوق میان فقها اختلاف نظر وجود ندارد. اختلاف نظر میان فقها تنها در جایی است که افق‌ها مختلف باشد و هلال در شهر غربی دیده شود. در این صورت این سؤال مطرح است که آیا دیدن هلال در شهرهای غربی، برای کسانی که در شهرهای شرقی زندگی می‌کنند، کافی است؟ فقهاء در این مسأله سه گروه هستند:

گروه اول: اساساً متعرض این مسأله نشده یا فرقی بین شهرهای دور و نزدیک قائل نشده یا تصريحی در این زمینه داردند.

گروه دوم: اکثریت فقها را تشکیل می‌دهند که متعرضین مسأله شده و بین شهرهای دور و نزدیک تفاوت قائل شده‌اند.

گروه سوم: بین شهرهای نزدیک و دور تفاوتی قائل شده‌اند و حکم شهرهای دور را با شهرهای نزدیک یکی دانسته‌اند.

نیازی به ذکر فقهاء گروه اول نیست. مهم اشاره به فقهاء

پی‌نوشت‌ها

متن دو مقاله به زبان عربی به قلم مؤلف است، و پس از ترجمه آن دو به برخی فضلا در مجله «فقه اهل بیت»، شماره‌...، چاپ شده است.
 ر، ک: سوالات الشیعیه، باب ۱۱ از ابواب احکام ماه رمضان، حدیث ۱۵
 غیرآن.

۱. مبسوط، ج ۱، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۲. نهایه، ص ۱۵۰.

۳. خلاف، ج ۱، ص ۳۹۱، مسئله ۸.

۴. الوسیلہ، ص ۱۴.

۵. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۰.

۶. معترض، ج ۲، ص ۶۸۹.

۷. مبسوط، ج ۱، ص ۲۶۸.

۶. علامه در قواعد مانند تذکرہ نظرداده:

حکم شهرهای نزدیک یکسان است برخلاف شهرهای دور. بنابراین اگر کسی به مکان دور دستی سفر کند که در شب سی ام ماه رمضان، هلال دیده نشود، باید از هالی آن جا پیروی کند. اگر مرکب شدن او را صیغ در حالی که عید گرفته است به محل دور دستی که ماه به سبب نزدیکی در راه اش [نسبت به خورشید] دیده نشود، بپرد، در این که آیا باید امساك کند یا نه، نظر است.

اگر هلال ماه رمضان را ببیند آن گاه به محلی بود که در آن جا هلال دیده نمی شود، اقرب و جنوب روزه در روز سی و

دیده شود اما در شهر ع از دیدن ماه می شود؛ و آشکارا دیده شده افق] برای کسی که کنند، مخفی می مانند حکم تمامی شهرها دیده شده و اول ماه حکم برای تمامی سر

۰ فقهایی که وحدت افق را شرط دانسته‌اند
گروهی از قدمان زندیکی دوشهیری را که در یکی از آن‌ها ماه
دیده شده است، شرط کرده‌اند. تعداد کسانی که یادآور این
شرط شده‌اند عبارتند از:
۱. شیخ طوسی (۴۶۰-۳۸۵ هـ)
نشانه ماه رمضان، رؤیت هلال یا قیام بینه بر رویت هلال
ست... هرگاه هلال در شهری اکه فرد مکلف در آن زندگی
می‌کند! دیده نشود بلکه خارج از آن شهر دیده شود، بنابر
آن چه بیان کردیم چنان چه شهرهایی که هلال در آن‌ها دیده
شده است نزدیک آن شهر باشند به طوری که با صاف بودن



بررسی اعتبار چشم مسلح در رؤیت هلال

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

موضوع استهلال یک بحث بسیار مهم است. فراموش نمی‌کنم در سال ۱۳۸۴ استفتایی از مرحوم والد ما^{رض} شد و ایشان فرمودند که رؤیت هلال با تلسکوپ هم کفایت می‌کند. بعد از صدور این فتوای، مقداری بحث بین فضلای حوزه ایجاد شد؛ لذا این جانب در سال ۱۳۸۵ رساله‌ای را در اعبار ابزار جدید و تلسکوپ در رؤیت هلال نوشت، پس از چاپ و انتشار این رساله، برخی از دوستان مذاقشانی کردند که البته حدس من این است که عمدۀ این مناقشات برای بعضی از مراجع بزرگوار بود که آن‌ها به رشته تحریر درآورند و آن را در مجله فقه اهل بیت^{علیهم السلام} منتشر کردند. بنده هم جواب آن مناقشات و جواب‌هایی که داده شد، در آن رساله آمده است. بعداز آن هم، هرسال در ماه رمضان بحث کفایت ابزار جدید در رؤیت هلال مطرح شده و در نتیجه مراجع بزرگی که نظر شریف‌شان عدم کفایت ابزارهای جدید است، شواهد، مؤیدات و استدلالاتی را ذکر کرده‌اند.

متن حاضر بیانات آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی در نشست علمی استهلال با چشم مسلح می‌باشد که به همت گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت و با همکاری مرکز فقهی ائمه اطهار^{علیهم السلام} با حضور جمعی از اندیش پژوهان و طلاب در مسجد مکر فقهی ائمه اطهار^{علیهم السلام} برگزار شد.



نشست علمی استهلال با چشم مسلح ۱۳۹۹ ۱۳ اسفند

شده، در یک ساعت ۱۰ هنگار زین را شخم می‌زند. آیا

آقایان بیان شد که این جا اطلاق ثبیثاً محال است. چرا؟ حتی دیدن با تلسکوپ هم لازم نیست؛ چون ملاک علم به ولادت ماه جدید است. وقتی هم که ماه در ساعات اولیه چون شاعر اگر بخواهد بکوید، دیدن با تلسکوپ یا چشم فردی به صورت عادی و با بیل زمیتی را خاصم نمی‌زند؛ با مثلاً قبایل رؤیت نیست؛ ولی به حسب واقع این ماه متولد شده و برای رؤیت با تلسکوپ مثلاً هفت ساعت بعد از ولادت اگر جدید است. همین جا سوال ماز بزرگاری که مثلاً شنبه شب سال گذشته هلال ماه شوال را تلسکوپ دیدند؛ ولی از لام داریم؛ در نتیجه مبتلا به اقل و اکتر می‌شوند؛ دیدن با تلسکوپ می‌شود اقل و دیدن با چشم عادی می‌شود اکثر. حال اگر بگوییم: شاعر هم اقل و هم اکتر را موضع حکم وحجب صوم یا افطار فرار دارد، این تخبیر بین اقل و اکثر می‌شود که محال است. نیز اندیش ایام حج و زیارت و صید اجتهاد بسته می‌شود. اطلاق امن احیی ارضاء^{رض} می‌گوید: با هرسیله ای زینت ایام حج و زیارت و داده شود. قدمی با بیل و کلنج وزیر و بازوی کشاورزی بود امازون با تراکتورهای عجیب و غرب هنگارها زین را حجیم می‌کند.

همین طور نسبت به «احل الله البيع»، نمی‌توان گفت که شامل بیع اینترنت نمی‌شود. اگر آن بالامعاولات بسیاری که از طریق اینترنت انجام می‌شود، این حرف قابل قبول نیست. نکته دوم در مورد رؤیت هلال، این است که مگویند اطلاق انصراف به رؤیت مجده دارد؛ به طور کلی اذان فقرصرو اذاخی الجدران فقصرا^{رض} چه می‌فرماید؟ وقتی از شهربیرون می‌روید، چنان‌چه مثلاً به یک کیلوگرمی شهر پرسید، صدای طبیعی اذان بدون بلندگو شنیده نمی‌شود؛ این آنچه رؤیت می‌داند. این رؤیت می‌داند که افق مادی را که نمی‌شود نگفته کرد؛ زیرا همه آن را کافی می‌داند، پس چون کرده‌اند که لام است، در مرورش بحث شود که آیا در مرور هلال و شروع ماه یک اصطلاح و حقیقت شرعیه‌ای به نام ماه شرعی داریم یا نه؟ می‌گوییم هیچ دلیلی برای این اصطلاح قابل دارد؛ ولی این رؤیت می‌داند که افق مادی را که چکار باید کنیم؟ می‌گویند: دیدن با چشم عادی را که نمی‌شود نگفته کرد؛ زیرا همه آن را کافی می‌داند، پس چون ندارد. این آنچه پیشنهاد می‌داند. باید با این نکته خوب تووجه شود. دلیلی برای این معنا نداریم که شاعر در مساله هلال اعمال تعدد کرده و فرموده باشد.

چهارم این است: اولاً چشم پریسم، شما در مورد «اذا خفی الاذان فقصرا» یا «اذا خفیي الْجَدْرَانِ» می‌فرمایید. کاری ندارم ماه قمری شروع شده باشد و همه شرعاً شما از رویت آن می‌گذرد. این رؤیت می‌داند که آن را کیلوگرمی شهر پرسید، صدای طبیعی اذان بدون بلندگو شنیده نمی‌شود؛ این رؤیت طریقی برای رسیدن اطمینان و علم است. اما خفاء الجدران و دیده نشدن دیوارهای شهر که در سه یا چهار کیلوگرمی اتفاق می‌افتد، آن جا هم یک اقل و اکثر همان گونه که در بحث حداً ترخص، وقتی روایات می‌فرمایید: «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ». دارید؛ پس آن چاچ می‌فرماید؟ ممنهور که می‌گویند: هر یک از این دو کافی است؛ بهجهت آن که هر دو ظاهری هستند و دیگر طرق برای آن است. اگر هر دو علامت‌اند یا یکی امراه و دیگری طرق برای آن است. اگر هر دو علامت‌اند، آیا هر دو علامت واقعی‌اند یا ظاهری؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «اذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است.

پنجم این است که می‌فرماید: «إذا خفني الأذان فقصرا»، این بحث مفصل به وجود آید که آیا هر دو

زیادی دارد. غلبة الوجود را کسی به عنوان مشتاً اصراف قبول ندارد. این رؤیت می‌داند که این را که

بهر است. موقعیت، یعنی دیده نشدن دیوارهای شهر و شنیده نشدن صدای

بنای موقعت می‌کند. می‌گویند: موضعیت ندارد. این رؤیت می‌داند که این را که

روایات بر رؤیت مجده؛ چراکه آیه می‌فرماید: از پیغمبر^{صل} روایات بر رؤیت مجده است که واقعی‌اند. این جا نزین چنین است.

شانزدهم این است که می‌فرماید: می‌گذرد. این رؤیت می‌داند که در مورد اهل سوال بینند. بگوی: قل هی می‌گذرد. این رؤیت می‌داند که این هال‌ها را به ممتاز

قمر در طول یک ماه منطبق کرده‌اند؛ یعنی شب اول، دوم، سوم... تا آخره، بهمن‌له یک تقویم وساعت طبیعی برای

بشر است. موقعیت، یعنی مردم امور زندگی خود را با این‌ها تنظیم می‌کند. می‌گویند: موضعیت ندارد. این رؤیت می‌داند که این را که

به محقق رفت اغلان عمل را جام واقعی است و در اصول آقایان آن را

اوامیقات و شاخص‌اند، مطற کرده‌اند. درحالی که این دو علامت

ظاهری هستند و تخریبین اقل و اکثر در این مردم هستند. این رؤیت می‌داند که این هال‌ها را به ممتاز

قمر در طول یک ماه منطبق کرده‌اند؛ یعنی شب اول، دوم، سوم... تا آخره، بهمن‌له یک تقویم وساعت طبیعی برای

بشر است. موقعیت، یعنی مردم امور زندگی خود را با این‌ها تنظیم می‌کند. می‌گویند: موضعیت ندارد. این رؤیت می‌داند که این را که

روایات بر رؤیت مجده است که واقعی‌اند. این جا نزین چنین است.

این رؤیت هلال موضوعیت دارد یا طریقتی؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است. رؤیت هلال زمان ما منجمان

در مکتبون دفتریکی از مراجع بزرگ نجف که نظر آن در

فروماش یکی از مراجع بزرگ هم آمده، چنین آورده‌اند که

برخی از شهربیرون می‌گویند: ما باید این جا اطلاق را حمل بر معلمات

کنیم. برای آن یک قانون که بعنوان لزوم حمل المطلقات

علی‌المتعارف ذکر کرده و دو سه مثال هم می‌زنند. ما در

رساله خود ۲۰ نهونه از کتاب جواهر شاهد اورده‌ایم که اگر

بخواهیم مطلق را حمل بر متعارف کنیم، باید اطلاق بسته

می‌شود، قطعاً نظر از طلب اول، ما بایشیم و روایات

این مواد را نمی‌شود، فقط حمل بر متعارف کرد و اطلاق شامل

همه افزایشی را شدید شدی، نماز خود را شکسته بخواهیم.

این دو دیده نشدن دیوارهای شهر و شنیده نشدن صدای

زاده از این فاصله بزرگ‌تر می‌شود. این رؤیت می‌داند که این را که

روایات از ناحیه بزرگ‌تر می‌داند. این رؤیت می‌داند که این را که

روایات بر رؤیت مجده است که واقعی‌اند. این جا نزین چنین است.

این رؤیت هلال موضوعیت دارد یا طریقتی؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است. رؤیت هلال زمان ما منجمان

در مکتبون دفتریکی از مراجع بزرگ نجف که نظر آن در

فروماش یکی از مراجع بزرگ هم آمده، چنین آورده‌اند که

برخی از شهربیرون می‌گویند: ما باید این جا اطلاق را

حمل بر معلمات

کنیم. برای آن یک قانون که بعنوان لزوم حمل المطلقات

علی‌المتعارف ذکر کرده و این را از کتاب‌های آن‌ها اورده است. اول اوریجان بیرونی که

دو ازدهاره کرد و مؤلف در ادامه بعد از ذکر گفت آیه، به تفسیرهای مختلف در

یاد می‌شود، شنیده کرد و مذکور شد. این رؤیت هلال موضوعیت دارد یا طریقتی؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است. رؤیت هلال زمان ما منجمان

در مکتبون دفتریکی از مراجع بزرگ نجف که نظر آن در

فروماش یکی از مراجع بزرگ هم آمده، چنین آورده‌اند که

برخی از شهربیرون می‌گویند: ما باید این جا اطلاق را

حمل بر معلمات

کنیم. برای آن یک قانون که بعنوان لزوم حمل المطلقات

علی‌المتعارف ذکر کرده و این را از کتاب‌های آن‌ها اورده است. اول اوریجان بیرونی که

دو ازدهاره کرد و مؤلف در ادامه بعد از ذکر گفت آیه، به تفسیرهای مختلف در

یاد می‌شود، شنیده کرد و مذکور شد. این رؤیت هلال موضوعیت دارد یا طریقتی؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است. رؤیت هلال زمان ما منجمان

در مکتبون دفتریکی از مراجع بزرگ نجف که نظر آن در

فروماش یکی از مراجع بزرگ هم آمده، چنین آورده‌اند که

برخی از شهربیرون می‌گویند: ما باید این جا اطلاق را

حمل بر معلمات

کنیم. برای آن یک قانون که بعنوان لزوم حمل المطلقات

علی‌المتعارف ذکر کرده و این را از کتاب‌های آن‌ها اورده است. اول اوریجان بیرونی که

دو ازدهاره کرد و مؤلف در ادامه بعد از ذکر گفت آیه، به تفسیرهای مختلف در

یاد می‌شود، شنیده کرد و مذکور شد. این رؤیت هلال موضوعیت دارد یا طریقتی؟

در مجموع آیت‌الله‌العظمی خوشی^{رض} نظر شریش این است که «إذا خفني الأذان فقصرا» یا «إذا خفني الْجَدْرَانِ» نیست؛ بلکه علامتی برآن ابتعاد و دوری خاص است. رؤیت هلال زمان ما منجمان

در مکتبون دفتریکی از مراجع بزرگ نجف که نظر آن در

فروماش یکی از مراجع بزرگ هم آمده، چنین آورده‌اند که

برخی از شهربیرون می‌گویند: ما باید این جا اطلاق را

حمل بر معلمات

کنیم. برای آن یک قانون ک

منشأ اتفاق یا اختلاف نظر در ثبوت رویت هلال چیست؟

مسئله رویت هلال و تشخیص روز اول ماه، براساس مواد زیر مورد اتفاق یا اختلاف نظر قهقهه و دانشمندان شیعه و سنی قرار می‌گردد:

۱. آیا دیدن ماه باید حتماً با چشم غیرمسلح باشد یا دیدن با چشم مسلح با تلسکوپ و دوربین هم کفایت می‌کند؟
۲. آیا اگر در شهر یا منطقه‌ای ماه دیده شد برای شهرها و مناطق دیگر ماه ثابت می‌شود؟
۳. در چه صورت به گراش‌های رسیده دریاره رویت هلال می‌توان اعتماد کرد؟

دقت و بحث و دیدگاه‌های متفاوت مراجع در همه این موارد، باعث به وجود آمدن نظرات مختلف و متعدد در اثبات رویت هلال با عدم اثبات آن می‌شود. این تفاوت‌های درین فقهی‌ها اهل سنت نیز وجود دارد.

فقهای شیعه خود را مطیع قرآن، پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ می‌دانند و در زمان غیبت امام زمان ع با دقت در روایات و آیات، آنچه در توان دارند به کار می‌گیرند تا بتوانند احکام فقهی را از منابع موجود استخراج کنند. طبیعی است که گاهی بدليل عدم صراحت آیات و روایاتی، نتایجی که در این مسیر دشوار حاصل شده با هم متفاوت باشد. علاوه بر این، فقهای شیعه در ایران برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی، مستقل از حکومت به این نظر فقهی خود می‌پردازد و خود را در مقابل خدا ملزم به رعایت آن می‌دانند و مقدمان آن‌ها به تعییغ هر فقهی، خود را ملزم به رعایت آنچه او را منبع بدست آورده است. بنابراین در مواردی ممکن است بین فتاوی فقهای اختلاف پیش اید که احادیث و آیات ماصراحتاً در آن اطهار نظر نکرده‌اند یا شرایط آن مسالم در روزگار ما عوض شده است. از جمله این موارد حکم رویت هلال اول ماه است؛ البته این تفاوت

فتاواً خصوص به علمای شیعه نیست و در بین فقهای اهل سنت نیز اختلافاتی وجود دارد.

از نظر فقه شیعه، اول ماه از چند راه ثابت می‌شود:

۱. این که خود انسان ماربیند.
۲. به هراسهله ای برای اوین حاصل شود.
۳. دوم رعادل بگویند که ماه را دیده‌اند.

۴. سی روز اول ماه بگذرد.

۵. حاکم شرع حکم به اول ماه بود کند.

اما تفاوت‌هایی که گاهی در فتاوی فقهای اهل سنت از این می‌شود ناشی از این است که:

۱. آیا دیدن ماه باید حتماً با چشم غیرمسلح باشد یا دیدن با چشم مسلح با تلسکوپ و دوربین هم کفایت می‌کند؟ بعضی از فقهاء مقدمه‌ستند که رویت حتماً باید با چشم غیرمسلح باشد، اما بعضی دیگر را بتوانند.

۲. آنچه صورت به گراش‌های رسیده دریاره رویت هلال می‌توان اعتماد کرد؟

۳. اگر در شهرها متفاوت ای ماه باشد این را از شهرها و مناطق اول ماه ثابت می‌شود؟ بعضی از مراجع تقلید برای این عقیده‌اند که اگر ماه در شهری دیده شود تها در آن شهر و شهرهایی که هم اتفاق با آن باشند اول ماه ثابت می‌شود.

بعضی دیگر این‌دند که اگر در شهری ماه دیده شود، در تمام شهرهایی که در شب با این شهر مشترک‌ستند (عنی اول شب یکی، آخر شب دیگری است) اول ماه می‌شود.

اما اگر بدریش این مطلب سخت باشد، رویت اطلاقاً دارد و همه این بکاهی اختلاف را در فتوی و نظرات فقهی نیست؛ بلکه به شیخیت رویت یا رویت هلال ناشی از اختلاف در فتوی و نظرات فقهی است.

تقلید شخصاً موقب به رویت هلال نشده‌اند، با اعتماد به شهادت افراد عادل مورد اطمینان، خود به اثبات اول ماه رسیده، ولی این شهود از نظر سایر مراجع قابل اعتماد نیستند و همین باعث اختلاف نظر در رویت می‌شود.

همه این موارد باعث می‌شود که اگر مراجع و مقدمان آن‌ها باخویند به تکلیف شرعی خود عمل نمایند. مجبور هستند به آنچه که برای آن حجت شرعی دارند عمل نمایند که همین باعث تفاوت‌های در عمل آن‌ها می‌شود. از طرفی چون رویت هلال مسالمه‌ای است که مورد ابتدایی همه مسلمانان (که اکثریت مردم ایران را تکیل می‌دهند) است، اختلاف نظر در آن سیاست برجسته می‌شود.

تفاوت‌های اهل سنت به این مقدار بسیار متفاوت است و در بین فقهای اهل سنت نیز اختلافاتی وجود دارد؛ اما علمای اهل سنت در مورد تشخیص اول ماه اهتمام کمتر نمایند. همین باعث می‌شود که این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید و نیز مقدمه‌ستند که این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

حکام آن‌ها تذکر که اغلب پادشاهان کشورهای اسلامی هستند، معمولاً رویت را به عنوان اول ماه مشخص می‌کنند. به همین دلیل با وجود اختلاف نظرهای موجود دریاره رویت هلال ماه، هرروزی را که حاکم طبق معیاری به عنوان عید اعلام کند، مورد قبول اکثر علماء و مردم قرار می‌گیرد.

در بین علمای شیعه بعضی حکم حاکم را برای اثبات اول ماه می‌دانند و بعضی آن را می‌دانند که این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید. همین دلیل با وجود اختلاف نظرهای موجود دریاره رویت هلال ماه، هرروزی را که حاکم طبق معیاری به عنوان عید اعلام کند، مورد قبول اکثر علماء و مردم قرار می‌گیرد.

این که در این مسالمه‌ای اول ماه جدید اثبات اول ماه شروع شده تا روزه بگیرند، هیچ‌گاه استفاده نمی‌کردند.

درین آن‌ها مقصود علمای شیعه از حاکم، مجتهد جامع الشرایط است نه سلطان کشور اسلامی. با وجود در زمان کنونی که حکومت ایران زیر نظر هر دویاً می‌باشد، این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

این حکم موقب به رویت هلال نمی‌شوند و به مرتع تقلید خود اطمینان کامل دارند، درین مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

است که هر فرد مکلفی (حتی اگر در مسائل فقهی مجتهد هم نباشد) می‌تواند شخصاً به تشخیص آن اقدام کند و به علم خود نماید و نیز این را تقلید خود اطمینان کامل دارند، درین مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

خود موقب به رویت هلال نمی‌شوند و به مرتع تقلید خود اطمینان کامل دارند، درین مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

نظراً بر این مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

بر این مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

بر این مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

بر این مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

بر این مسالمه‌ای این مسالمه‌ای در این مورد اتفاق نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. تذکر: اتحاد و اختلاف افتها، مجله فقه، شماره ۲، سال ۱۳۷۳، ماه دی موجود در این آدرس:

<http://www.shareh.com/persian/magazine/fiqh.htm>

۲. رجوع کنید: امام محمدبن حسن، توضیح المسائل (المحسن)، ج ۱، ص ۹۵۹، موسسه الشیعیان التابعه لجامعه‌المدرسین، ۱۴۲۴، ق.

۳. مدل ایت الله بهجهت ویسیستانی، رجوع کنید: امام محمدبن حسن، توضیح المسائل (المحسن)، ج ۱، ص ۹۶۰.

۴. مدل ایت الله بهجهت ویسیستانی، رجوع کنید: امام محمدبن حسن، توضیح المسائل (المحسن)، ج ۱، ص ۹۶۱.

۵. تذکر: اتحاد و اختلاف افتها، مجله فقه، شماره ۲، سال ۱۳۷۳، ماه دی موجود در این آدرس:

<http://www.shareh.net/persian/magazine/fiqh.htm>

۶. امام محمدبن حسن، توضیح المسائل (المحسن)، ج ۱، ص ۹۶۲.

۷. امام محمدبن حسن، توضیح المسائل (المحسن)، ج ۱، ص ۹۶۳.

۸. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید: به مجله فقه، شماره ۲، سال ۱۳۷۳، ماه دی موجود در این آدرس:

<http://www.shareh.com/persian/magazine/fiqh.htm>

۹. غفرانی، محمدرضا، آغاز و انجام ماهیات قمری، مجله فقه، شماره ۱۰، ماه دی موجود در این آدرس:

<http://www.shareh.net/persian/magazine/fiqh.htm>

آنچه از دفتر بعضی از مراجع بزرگوار نجف منتشر گردیده، تصريح به مواردی کرده که در آن استفاده از ابزار را قبول نموده‌اند؛ مثلاً فرموده‌اند: اگر کسی با ابزار نوین تجسس کند؛ یعنی دستگاهی در اثبات کسی بگذارد و از فاصله یک کیلومتری صدای اورا بشنود، این جا هم است! چرا؟ چون موضوع حرمت عنوان تجسس است. این جا هم عنوان تجسس صدق می‌کند. یاد رنگاه کردن به زن نامعجم با استفاده از چشم می‌گویند: موضع حرمت نظر است و این جا نظر صدق می‌کند. یعنی ارشیه برای چشم ای که در شکم زن بادرار بعد از قوت شوهرش تعیین ارشیه برای چشم ای که در شکم زن بادرار که این جمیعت این را می‌گویند: سهم دو مذکور باید کارگذاشته شود؛ اما امور از همانجا باشد. یاد رنگاه کردن به زن نامعجم با استفاده از چشم می‌گویند: این جا هم عرض می‌کند از کجا؟

که با استفاده از تواندش تشنیخ دهند، این جا هم عرض می‌کند از کجا؟

آنگاه فرموده‌اند؛ در باب موضوع حرمت هلال مسالمه این چنین نیست. در

موضوع هلال آنچه موضع حکم شرعاً قرار گرفته باشد. به اینسان عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس اصلًا دلالت ندارد که هلال وقتی هلال است که ممه مردم

آن را بینند؛ در سیلنونک عن اهله، درست است که اهل جمیع

هال‌ها مواقیت لناس است. قطع نظر ازین مطلب، شما از کجا

می‌گویید: از مواقیت لناس استفاده می‌شود که همه مردم باید بتوانند

نهایت ندارد. حرف تبخرین این اهل حرف تام و صحیح

نیست اشکال اثباتی هم که وجود انصراف باشد، مردو است: چون

ایمی‌که را نمی‌توانیم از چشم ای از این امر انصراف باشد، در جایی هم

آنچه شریفه را نمی‌توانیم از چشم ای انصراف باشد. در جایی هم

هال‌ها مواقیت لناس دارند. در جایی هم

می‌گویند: این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

لناس ندارد. این جا هم عرض می‌کند و هیچ دلیل قبولی برای

